

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴۰۸۸۹۳۶۲۷۰ • نامبر: ۰۳۶۱۲۲۸۶ • تلفن آگهی‌ها: ۰۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۰۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • چاپ: گل‌ریز • تلفن: ۰۶۶۷۹۵۴۴۲

شرق

روزنامه

پس از بالغ بر دوماه درهای محن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) به روی زائران بازگشایی شد، عکس: محمود رحیمی، مهر



نور نوشت

تلنگر

کاهش جمعیت به کرونا ربطی ندارد

۱۰میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بوده که از این تعداد زن، سالانه در حدود دو میلیون ولادت به ثبت رسیده است. با گذشت سه دهه یعنی ۳۰ سال، در سال ۱۳۹۵ جمعیت زنان تا۱۵ تا۴۹ساله به حدود ۲۲میلیون و ۷۰۰ هزار نفر می‌رسد که از این تعداد زن فقط در حدود یک‌میلیون و ۵۲۰ هزار ولادت به ثبت رسیده و در مقایسه با تغییرات صورت‌گرفته در چند دهه یادشده، مشاهده می‌شود که در سن باروری به میزان ۱۲ میلیون نفر (حدود ۲۰۲ برابر)، تعداد مولاید حدود ۵۰۰ هزار مورد (حدود ۰٫۸ برابر) کمتر شده که با درنظرگرفتن هردوی این تغییرات، در سال ۱۳۹۵ کاهشی در حدود ۲٫۸ برابر نسبت به ولادت‌های مورد انتظار با الگوی نرخ باروری عمومی حاصل تقسیم ولادت‌ها بر جمعیت زنان در سن باروری به دهه ۱۳۶۰ به دست می‌آید». همین اعداد رسمی نشان می‌دهد تقلیل این شرایط کاهشی رشد جمعیت به دوران مربوط به کرونا تحلیل درستی نیست. با توجه به روند کاهشی ازدواج به‌دلیل شرایط مختلفی که کرونا در حوزه خانواده، اقتصاد، اشتغال و بی‌کاری و... ایجاد کرد، در سال ۱۳۹۹ ممکن است روند کاهشی بیشتر هم شود. گرچه قرارگرفتن در دوران پنجره جمعیتی در کشور می‌توانست با حسی می‌تواند یک فرصت ارزشمند و طلایی برای پویایی و بالندگی محسوب شود، البته به شرطی که با سیاست‌گذاری‌های مناسب بتوان از این ظرفیت جمعیت فعال به‌درستی استفاده کرد، در غیر اینصورت خود می‌تواند تهدیدی جدی و قلمداد شود. در تعریف این وضعیت چنین گفته می‌شود که وضعیتی است که حاصل جمع جمعیت جوان و میان‌سال (۱۵ تا ۶۴ساله) یک کشور که «جمعیت مولد» نامیده می‌شود به حداکثر میزان خود در دوران حدوداً صدساله توسعه‌یافتگی آن کشور می‌رسد و هم‌اکنون طبق آخرین سرشماری، این میزان به ۶۹٫۹ درصد یعنی



سیدحسین موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

یکی از موضوعاتی که این روزها به مناسبت روز ملی جمعیت درباره آن بیشتر صحبت شد، کاهش نگران‌کننده رشد جمعیت در کشور است. عده‌ای هم این شرایط را به کرونا ربط می‌دهند. این در حالی است که تأملی بر روند آمار سرشماری‌های کشور در سال‌های مختلف خود گویای این است که این روند کاهشی از دهه‌ها قبل آغاز شده است. آمارها نشان می‌دهند که شاخص «نرخ باروری کل» که در سال ۱۳۶۵ در حدود ۶٫۴ فرزند بوده، مطابق بند «ج» خطوط کلی سیاست تحدید مولاید کشور برنامه اول توسعه در سال ۱۳۶۷ به‌گونه‌ای هدف‌گذاری شد که تا سال ۱۳۹۰ به حدود چهار فرزند کاهش یابد؛ اما نکته مهم اینجا بود که این هدف‌گذاری در اوایل دهه ۷۰ جامه عمل پوشید، اما باید پی‌نیریم که در ادامه فعالیت‌های مرتبط با کنترل جمعیت در کشور به جای رسیدیم که در سال ۱۳۹۰، مقدار این شاخص به‌جای رقم چهار، به رقمی در حدود ۱٫۷۴ کاهش پیدا کرده است. همین‌طور براساس آمارهای رسمی ارائه‌شده می‌توان گفت «در سال ۱۳۹۷ تعداد یک‌میلیون و ۳۶۷ هزار ولادت به ثبت رسیده که در مقایسه با سال قبل آن، ۱۲۰ هزار کاهش داشته است. این مقدار کاهش که برای سومین سال متوالی در سال‌های اخیر روند کاهشی را نشان داده است، پس از حدود ۴۱ هزار کاهش برای دوره ۱۳۹۶ نسبت به ۱۳۹۵ و ۴۲ هزار کاهش برای دوره ۱۳۹۵ نسبت به ۱۳۹۴ مشاهده شده است». با براساس آمارهای موجود «در سال ۱۳۶۵ جمعیت زنان تا۱۵ تا۴۹ساله (در سن باروری) در حدود

واکنش

به سایت فرهنگستان مراجعه کنید

زهر ا جوهرچی · زبان‌شناس

روزنامه «شرق» مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ مقاله‌ای با عنوان «کابل بگیریم» درج شده است که خانم صفرزاده در ابتدا به علمی و تخصصی‌بودن فرهنگستان اشاره کرده، اما از قول مردم اظهار کرده‌اند که مشکلات آنها و چرخاندن چرخ معاش سبب بی‌اعتنایی آنها به کار این مجموعه است. چند نکته در این مقاله قابل ذکر است:
۱. نویسنده به ۹۰ سال تأسیس فرهنگستان اشاره دارد که هزارگاهی برای کلمات بیگانه معادل‌سازی می‌کند که مایه بهجت مردم است. اما همین نویسنده در دبستان، دبیرستا، دانشگاه و پژوهشگاهی تحصیل کرده که همه این واژه‌ها را فرهنگستان ساخته است وگرنه باید به واژه مکتب‌خانه و ... اکتفا می‌شد.
۲. زبان مانند رودخانه‌ای جریان دارد و اغلب مانع‌ها را از میان برمی‌دارد. اگر نویسنده با کتاب‌های درسی مرتبط باشد می‌تواند کاربرد واژه‌های نوساز نظیر هم‌نهشت، شمارنده و ... را در زمان فرهنگستان رسوم ببیند که دانش‌آموزان به راحتی استفاده می‌کنند و خنده‌ای برنمی‌انگیزد.
۳. زبان فارسی همانند زبان‌های زنده دنیا نیاز به واژه‌سازی در علوم مختلف دارد. در فرهنگستان گروه‌هایی از علوم مختلف تلاش می‌کنند تا با ساختن یا

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۹
۳ شوال ۱۴۴۱
۲۶ می ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۲۸
۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۲
اذان صبح فردا ۴:۰۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۲

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

هرچه بیشتر از بحران جهانی همه‌گیری کرونا می‌گذرد، چهره زشت بی‌عدالتی اجتماعی نمایان‌تر می‌شود. ابتدا این‌طور تبلیغ می‌شد که ویروس کرونا، ثروتمند و فقیر، دارا و ندار، صاحب‌منصب و بی‌منصب نمی‌شاسد و همهٔ احاد جامعه را بدون تبعیض و افتراق گرفتار می‌کند. ظواهر امر نیز با دمیده‌شدن در بوق و کرنای ابتلای نغد فقر از زعمای قوم در مناطق تازه‌الوده، به این افسانه دامن زد که ویروس مرز طبقاتی بین فرودستان و فرادستان را خواهد شکست و همه را به یک اندازه تهدید خواهد کرد. ولی در واقع چنین نشد و از پیش هم معلوم بود که چنین نخواهد شد. ساختار نظام بهداشتی– درمانی در تمامی دنیا، منطبق با نظام سرمایه‌داری بوده و بر اساس نابرابری دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی بنا گذاشته شده است. اگر ویروس کرونا در ابتدا چند صاحب‌منصب فرادست را مبتلا کرد و با تبلیغات فراوان درشت‌نمایی شد، به علت بی‌احتیاطی ابتدایی ناشی از ناباوری به درجه سرایت و خطر ابتلا به این ویروس بود. کم‌اینکه پس از مدتی معلوم شد ویروس بیشترین کشتار را در میان افراد فرودست در مناطق پرجمعیت فقیر از نظر مالی و فرهنگی می‌کیرد. یک نمونه پژوهش در این مورد که آثار این بی‌عدالتی را نشان می‌دهد، مرگ‌ومیر بر اثر ابتلا به ویروس کرونا در محلات فقیرنشین و پر جمعیت سیاه‌نشین در نیویورک بود که امکانات بهداشتی حداقلی داشتند. قربانیان بسیار دیگر این همه‌گیری را در میان کارکنان و خدمات‌رسان‌های کم‌مواجبی در بخش بهداشت و خدمات اساسی شهری می‌توان دید که امکانات حفاظتی و بهداشتی کافی نداشتند یا در خانه سالمندان پرجمعیتی زندگی می‌کردند که از امکانات اولیه رعایت اصول بهداشتی محروم بودند.

از قرن‌ها پیش، جوامع بر بنیاد نابرابری اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تلاش کردند صاحبان ثروت و مکتب را واردانند تا به خاطر عشق به بشریت، اخلاق انسان‌دوستانه و نیکوکارانه (فیلاترپویی)، بخشی از دارایی‌های هنگفت خود را در راه منافع جمع به خدمات اجتماعی اختصاص دهند؛ ولی همیشه این سؤال مطرح بوده که آیا این نوع اختصاص سرمایه و پول برای اهداف خيرخواهانه عمومی و به‌اصطلاح بشردوستانه از طرف سرمایه‌داران بزرگ، راهی برای فریب‌دادن افکار عمومی و در واقع برای تثبیت نظام غیرعادلانه و نابرابر ظالمانه سرمایه‌داری نبوده است؟ سوزان روزنتال در مقاله سال ۲۰۱۵ خود در مجله سوسیالیست‌ریپوبلک، کوشش نیکوکارانه (فیلاترپویی) را هنر فریب سرمایه‌داری می‌داند. برای مثال، کمپانی مایکروسافت بیل گیتس، ثروتمندترین مرد دنیا با ۵۵ میلیارد دلار دارایی در سال ۱۹۹۸، به علت اعمال غیرقانونی و انحصارگرایی بی‌رحمانه، مورد نکوهش قرار گرفت؛ اما چهار سال بعد، وقتی او بنیاد نیکوکارانه‌ای را راه‌اندازی کرد، به‌عنوان خیرخواهی نیکوکار (فیلاترپویست) ستایش شد. او هم‌اکنون نیز به‌عنوان چهره قهرمان مبارزه با ویروس کرونا، در جایگاه میهمان برجسته دستگاه‌های تبلیغاتی تلویزیونی‌ای مانند سی‌ان‌ان، خوندنمایی می‌کند. بدیهی است که در این شرایط خطر، افکار عمومی در مقابل نقش این افراد در جامعه گیج‌تر شود؛ آیا این ثروتمندان افرادی حریص و گرگ‌صفت هستند یا فرشتگانی کمک‌رسان و خیرخواه بشریت؟ عده‌ای از منتقدان چپ بر این باور هستند که سرمایه‌داری با تولید این کجی و سرگردانی، به فریب و کنترل اکثریت فرودست



عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

مغز اجتماعی– ۱۱۵

نیکوکاری فریب‌کارانه در شرایط نابرابرانه

دامن می‌زند؛ چون نمی‌تواند همیشه چهره خشن و بی‌رحمی در مقابل فرودستان از خود نشان دهد، بلکه لازم است قدرت خود را نشان دهد و به همه بفهماند که هر وقت لازم بداند، می‌تواند از در ملاطفت بیرون آید و با شل‌کردن کیسه ثروت خود، کسی هم برکات اجتماعی را بر همگان ارزانی بدارد. شاید به همین دلیل است که از قرن هجدهم به بعد، سرمایه‌داران به سوی کارهای نیکوکارانه رو می‌آوردند تا طبقات فرودست را مجاب کنند که آنها نیت خیر دارند و صلاح بشریت را در تداوم انباشت ثروت می‌دانند. اندرو کارنگی، غول فولاد آمریکا، در کتاب انجیل ثروت (۱۸۸۹) می‌گوید ثروتمندان می‌توانند اعتراضات مردمی و اجتماعی را با اعانه و خیریه‌دادن متوقف کنند. او با بالا بردن دستمزد‌ها و سطح زندگی کارگران مخالف بود؛ زیرا معتقد بود سود را کاهش می‌دهد. کارنگی ترجیح می‌داد شرایط و امکاناتی تولید کند تا اشخاص مهارت بیشتری به دست بیاورند؛ البته فقط به این خاطر که این مهارت‌ها سود بیشتری برای او به همراه بیاورد. او به ثروتمندان توصیه می‌کرد به‌جای پول‌دادن به دولت، بنیادهای خیریه و نیکوکاری به وجود آورند که بتواند جامعه را به سوی سودآوری بیشتر و حمایت بازار هدایت کند. جی.دی راکفلر، غول نفتی، می‌گوید از وضع اقتصادی مردم، شر برمی‌خیزد، بلکه وضع سلامتی و موضع اخلاق عمومی شر تولید می‌کند؛ به همین منظور، مؤسسه پژوهش‌های پزشکی راکفلر در سال ۱۹۰۱ و بنیاد راکفلر در سال ۱۹۱۳ بر پا می‌شود. اثربخشی این دکترین سرمایه‌داری را می‌توان در اوج خشم مردم نسبت به قتل‌عام اعتصاب کارگران معدن لسلو در کلرادو دید که راکفلر هم در آن دست داشت؛ اما در همان دوران، روزنامه‌ها راکفلر را به خاطر کارهای نیکوکارانه و مؤسساتی که بر پا کرده بود، مورد تقدق قرار دادند و سزوار جایزه نوبل دانستند. کتاب مردان پزشکی (پزشکی و سرمایه‌داری) که ریچارد براون در سال ۱۹۷۹ نوشته است، نشان می‌دهد سرمایه‌دارانی مانند لیلاند استنفورد، جان هاپکینز، اندرو کارنگی و جی.دی راکفلر، از راه برپایی مؤسسات نیکوکارانه (فیلاترپویی)، اطمینان حاصل کردند که مؤسسات آموزشی، علمی و پزشکی حامی سرمایه‌داری باقی خواهند ماند. راکفلر از طریق این مؤسسات، کوشش کرد پزشکی علمی باشد که زیست‌شناسی بریده از جامعه را ریشه بیماری‌ها می‌داند. به این ترتیب، این مؤسسات کوشش می‌کنند مسائل اجتماعی وارد علم پزشکی نشود. مؤسسات راکفلر از به بعد نیز سیاست پزشکی در سایه زیست‌شناسی و منفک از شرایط اجتماعی را پیش بردند. به همین علت نیز مدت‌ها اصلاح نژاد در صدر سیاست بهداشتی این مؤسسات پرقدت قرار گرفت. در همین راستا، بنیاد راکفلر، کارنگی و هارمن در سال ۱۹۱۰ به چارلز داوینپور، پروفیسور بیولوژی هاروارد، پول دادند تا درباره اثرنی بودن فقر و نابرابری، مدرک به‌اصطلاح علمی جمع کند. در سال ۱۹۳۵ حدود ۲۰ هزار نفر در آمریکا به علل مختلف ازجمله ضربه موشی پایین، غنیم می‌شدند. بنیاد راکفلر، حتی در سیاست اصلاح نژاد ۱۹۲۳ نازی‌ها نیز شرکت داشته است. واکنش بنیاد راکفلر، پس از اعتراض‌های سال‌های ۶۰ تا ۷۰ نیز تأکید بر حفظ موضع سوسیولیت فردی برای حفظ سلامت است. هنوز علم زیست‌شناسی و پزشکی چنین سرنوشتی دارند که مؤسسات نیکوکاری سرمایه‌داری برای آن رقم زده‌اند. امروزه بحران کرونا این شرایط را آشکار کرده است؛ به همین علت می‌بایست نگران علم بین‌رشته‌ای مغزپژوهی نوپای گرفتار سرمایه بود؛ شاید از طریق گفت‌وگو مغزپژوهی اجتماعی انتقادی بتوان حداقل زمینه‌های نظری راهی انسان از چنگال ایدئولوژی سرمایه‌داری را فراهم کرد و تلاش کرد پزشکی و زیست‌شناسی با علوم اجتماعی و انسانی دیگر پیوند بخورد.

پیشخوان

اما این نشریه تاثیرگذار موضوعات سیاسی و اقتصادی متبلا به ایران را نیز پیگیری کرده است. قانون اساسی در توبهٔ آزمایش گفت‌وگوی لطف‌الله میمنی و محمد محمدی‌گرگانی است و در نهمین سال درگذشت عزت‌الله سحابی، هدی صابر و هاله سحابی با مقاله «بر عزت، هاله و هدی چه گذشت؟» یادآوری شده است. در بخش «چشم‌انداز اندیشه»، مقالات «مجاهدین، مارکسیسم و مارکسیست‌های ایرانی»، «حنیف‌نژاد از دو منظر»، مقاله «عدالت در اسلام»، نوشته عبدالجواد فلاطوری و «جست‌وجوی خدا؛ جست‌وجوی معنا در هستی» از دیگر مطالب است. در بخش سیاست خارجی، نشریه چشم‌انداز به گوشه‌وکنار جهان نگاه می‌انداخته و البته بیشتر تمرکز بر خاورمیانه و اتفاقات آن است. صلح آمریکا با طالبان در افغانستان در گفت‌وگو با پیرمحمد ملازهی بررسی شده و در گفت‌وگو با محمد احمدی به وضعیت «فلسطین سرزمین خون و قیام» پرداخته شده است. ترجمه‌ای دربارهٔ تأثیرات کووید-۱۹ و ملی‌گرایی از دیگر مطالب این شماره ۱۲۸ صفحه‌ای است که با قیمت ۲۰ هزار تومان منتشر شده.

اتفاق

۸ماه‌در قرنطینه‌ناسا
محقق عناصر انسانی و عملکردهای رفتاری گفته: در این تحقیق می‌توانیم سطح بالای استرس و فیزیولوژی و شرایط روانی تحت‌تأثیر پرواز فضایی را مطالعه کنیم. این شش نفر مورد نیاز ناسا باید شهروندان ایالات متحده و بین ۳۰ تا ۵۵ سال باشند، به زبان انگلیسی و روسی مسلط باشند، خدمت سربازی رفته باشند و دارای مدرک دانشگاهی فوق‌لیسانس یا دکترا (ترجیحا در رشته‌های پزشکی) باشند.

روایت

به وقت هفت صبح سوم خرداد

محمدصادق درویشی

پژوهشگر جنگ ایران و عراق

● خرمشهر، یک تکه نه‌چندان بزرگ در جنوب‌غربی ایران، بسیار قبل‌تر از دوره معاصر چشم دشمنان ایران را به خود خیره کرده بود. تلاقی دو رودخانه مهم کارون و اروندرود و نزدیکی به بندر بصره، به زیبایی و چشم‌نوازی این شهر، ارزش اقتصادی و استراتژیک افزون‌تری نیز بخشیده بود. از حدود دو قرن پیش که در دوره امیرکبیر برچ‌وبارو پیرامون شهر کشیده شد، خرمشهر حالت پدافندی به خود گرفت؛ یعنی امرای ایران می‌دانستند که چه تکینی در مرز خود نمایان کرده‌اند. حاکمان بغداد در چند نوبت تلاش‌های نافرجامی برای تصرف خرمشهر انجام دادند. انگلیسی‌ها نیز به مدد نیروی دریایی قدرتمند، همیشه به این شهر چشم طمع داشته‌اند و در سال ۱۸۵۶ میلادی موفق شدند خرمشهر را تصرف و حتی تا اهواز پیش‌روی کنند. یک سال بعد از این با چشم‌پوشی ایران از هرات، انگلیسی‌ها خرمشهر را ترک کردند و نکین ایران دوباره به خاک وطن متصل شد. در شهریور ۱۳۲۰ نیز انگلیسی‌ها مجدداً خرمشهر را اشغال کردند. در همه این دوره‌ها طرح تجزیه و ضمیمه‌کردن خرمشهر به خاکی جز ایران، با ابتکار انگلستان و شیخ خزل و این اواخر ماجرای خلق عرب در اندیشه رقیبان و دشمنان وجود داشته است؛ اما ایران جایی نبود که بدون خرمشهر بتوان تصورش کرد.

پس از پیروزی انقلاب و تصمیم صدام برای تجاوز همه‌جانبه به ایران، صدام رؤیای ضمیمه‌کردن کل خوزستان به خاک خود را داشت. مقاومت مردمی مانع از عملی‌شدن استراتژی جنگ برق‌آسای ارتش عراق شد. نیروهای صدام در دشت خوزستان زمین‌گیر شدند و تنها در یک قفره از فلش‌های هجومی خود، ارتش بعثی ۳۴ روز پشت دروازه خرمشهر ماند و با مقاومت حیرت‌انگیز زنان و مردان این شهر که دوشادوش نیروهای کم‌شمار سپاه و ارتش می‌جنگیدند، مواجه شد. پس از پایان پیشروی عراق در دو ماه آغازین جنگ، مهم‌ترین شهر اشغال‌شده، خرمشهر بود که این‌بار با خون مدافعانش رنگین شده و نامش به خونین‌بدر بدل شده بود. در شش ماه اول جنگ، چهار عملیات بزرگ برای آزادسازی مناطق اشغالی در جبهه جنوب طرح‌ریزی و اجرا شد که از میان آنها عملیات نصری با هزینه در ۱۵ دی ۱۳۵۹ برای آزادی خرمشهر و اشغال تومه در خاک عراق و پدافند در شرق بصره اجرا شد که سرنوشتی مشابه سه عملیات دیگر نصیبش شد و همگی شکست خوردند.

دوره پیروزی‌های ایران، با رویکردهای جدید نظامی و تحول استراتژیک در مواجهه با ارتش عراق، از مهرماه ۱۳۶۰ و با پیروزی در عملیات ثامن‌الامته و شکست حصر آبادان آغاز شد. کام بعدی عملیات طریق‌القدس در آذرماه بود که منجر به آزادسازی بستان شد و کام سوم، عملیات فتح‌المبین در اوایل روزهای سال ۱۳۶۱ بود که با موفقیت توانست سرزمین‌های منطقه عمومی دزفول و شوش را آزاد کند. پس از یک سال اشغال و شکست، با پیروزی در نبردهای بزرگ و دوران ساز، اعتمادبه‌نفس رزمندگان ایرانی تقویت شده بود و همه چیز برای بازگرداندن خرمشهر به مام مپهن آماده بود؛ اما از آن‌سو نیز صدام حسین و ارتش عراق تمام جثیت خود را در حفظ خرمشهر گذاشته است تا سرنوشت جنگی که آغاز کرده بودند، می‌دیدند یا آن‌طور که صدام خطاب به فرماندهانش گفته بود: «اگر خرمشهر را از دست بدهیم، دروازه‌های نکتب بر روی ما باز می‌شود». عملیات بیت‌المقدس برای به‌زیرت‌راندن نیروهای عراقی به پشت مرز، ایجاد توان پدافندی مستحکم برای دفع حملات آتی و از همه مهم‌تر آزادسازی خرمشهر اجرا شد. عبور از کارون برای دست‌یافتن به یک سریل ایمن اولین یورش نیروهای ایران بود که در یک شبانه‌روز و با عبور بیش از ۴۰ هزار رزمنده و دو هزار خودروی سبک و سنگین و تانک و نفربر از روی پل‌های نصب‌شده در رودخانه با موفقیت انجام شد، مرحله بعدی ۱۲ کیلومتر حرکت به سمت مرز و استقرار در دژ مرزی عراق؛ یعنی پاسگاه زید بود که ارتش عراق را مورد کرد: هدف ایرانیان بصره است یا خرمشهر؟ پیش‌روی‌های موفق ایران در این ۱۰ روز، باور به آزادی خرمشهر را در دل و جان همه ایرانیان ظنین‌انداز کرد. کام بعدی، محاصره خرمشهر و جنگ سخت دوهفته‌ای برای آزادی آن بود: نیروهای ایرانی که طی روزهای متصادی حضور در جنگ کاملاً فرسوده شده بودند، برای شادی مردمی که هر لحظه منتظر شنیدن خبر آزادی بودند تا پای جان جنگیدند. نهایتاً در یورش پایانی که در اولین روز از خردادماه ۱۳۶۱ سامان دادند و دو روز طول کشید، نیروهای عراقی که دیگر توانی برای دفاع نداشتند، وادار به زمین‌گذاشتن سلاح شدند و از ساعت ۷ صبح سوم خرداد تا غروب همان روز بیش از ۱۲ هزار عراقی خود را تسلیم فاتحان خرمشهر کردند.

سوم خرداد ۱۳۶۱، بار دیگر خرمشهر، این نگین همیشه درخشان به دامن ایران بازگشت. رقص پرچم ایران روی کنبد مسجدجامع خرمشهر و آوای «مد نبودی بیبنی شهر آزاد گشته» از تصاویر و آواهای ثبت‌شده در تاریخ سربلندی این کشور شد؛ تا باد چنین باد.